



از آن زمان که میرزای شیرازی فتوای تحریم استعمال تنباکو را صادر کرد، بجز دوره کوتاه مشروطه، هیچ فقیه و مرجع تقلید دیگری در جهان تشیع، نتوانست همچون امام خمینی (ره) انسجام اجتماعی فراگیر ایجاد کند. این انسجام چنان فراگیر بود که نه فقط یک جریان اجتماعی، بلکه همه جامعه و نه فقط جهت‌گیری‌های سیاسی بخشی از گروه‌ها، بلکه همه اجزا و ارکان جامعه را فرا گرفت. نتیجه این فراگیری اجتماعی در مقطع تاریخی پس از انقلاب اسلامی، شکل‌گیری نظامی سیاسی در یک محدوده سرزمینی مشخص به نام ایران بود که تا آن زمان سابقه‌ای در تاریخ نداشت. اما امام خمینی (ره) فقیه و فیلسوف و سیاستمداری نبود که تنها به برپایی چنین نظام سیاسی-دینی بی‌پدلی فکر کند. مسأله جدید پس از آن بروز کرد: حفظ نظام و پویایی و پایداری آن. در این مرحله بود که امام خمینی (ره) در مقام فقهی که قدرت فکری شگرف در ارائه نظریات فقهی بدیع دارد و در مقام سیاستمداری که قدرت سیاسی در نوآوری‌های مبتنی بر اقتضائات زمانه را دارد، عنصر «تشخیص مصلحت نظام» را وارد ادبیات فقهی-سیاسی کرد و در عین حال آن را به مثابه ابزار و سازوکاری برای برون‌رفت از چالش‌ها، پیش‌روی آینده‌نگار داد. این آینده‌نگری امام خمینی (ره)، به تعبیر همه محققان، پژوهشگران و سیاست‌ورزان، گره‌های بسیاری را گشود، چه آنگاه که زعامت انقلاب و نظام اسلامی

در دستان امام (ره)، چه آنگاه که خلف صالح او هدایت و راهبری نظام اسلامی را تداوم بخشید. مسأله دیگر این بود که «ضابطه فقهی-سیاسی-حکروایی» تشخیص مصلحت نظام، رویکردی چندگانه داشته و دارد. یعنی هم در سیاست خارجی و تعریف مناسبات بسیار متغیر با جهان راهگشاست و هم هنگام مواجهه با بن‌بست‌های مقطعی ناشی از تفاوت دیدگاه شرع و عرف. تعداد متعدد لوایح و طرح‌های ارجاع شده از محل اختلاف نظر تخصصی شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی به مجمع تشخیص مصلحت نظام به تنهایی گواهی می‌دهد که این کشف فقهی-سیاسی، چه راه‌هایی را پیش روی حرکت مستمر اجتماعی، سیاسی و حکمروایی ایران اسلامی گشود.

به رغم اهمیت یا کارکرد چندگانه و چندوجهی سازوکار «تشخیص مصلحت نظام»، اما در صفحات پیش‌رو بیشتر مسأله «مصلحت در سیاست خارجی» بحث و بررسی شد. مصلحت در سیاست خارجی، زمینه‌ای است که هم دیروز به کار حکمرانی ما آمد و هم چه بسا امروز و فردا، همچنان محل رجوع بوده و خواهد بود. چراکه اساساً مصلحت، یکی از سه اصل تعیین شده از سوی رهبر معظم انقلاب، برای تعیین چهارچوب‌های هر مرادیه‌ای در سیاست خارجی ماست؛ یعنی سه اصل عزت، حکمت و مصلحت.

مصلحت؛ کشف نظری یک فقیه سیاست‌گذار



علی اکبر ولایتی در گفت‌وگو با «ایران» درباره عقلانیت راهبردی امام خمینی (ره) در مواجهه با بحران‌ها و حفظ استقلال در برابر قدرت‌های جهانی روایت می‌کند

امام چگونه دیپلماسی انقلاب را بنیان گذاشت؟

مریم سالاری | دبیر گروه دیپلماسی

راهبردی میان مصلحت نظام، امت و انقلاب، توانست مرز پُررنگی میان واقع‌گرایی سیاسی و سازشکاری ترسیم کند، و چگونه در اوج فشارها، اصل «نه شرقی، نه غربی» را نه به مثابه یک شعار، که به مثابه قطب‌نمای سیاست مستقل در نظم دوقطبی جهان تثبیت کرد. این گفت‌وگو نه صرفاً شرح خاطرات، بلکه تفسیری تحلیلی است از مفصل‌های راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، آن گونه که در مدرسه فکری و عملی امام خمینی (ره) بنیاد نهاده شد.

داوری‌های انتزاعی با روایت‌های از بیرون، با کسی هم‌کلام شد که در متن تصمیم‌سازی‌های حساس نظام، چه در سال‌های جنگ و چه در بزنگاه‌های جهانی، نقش مستقیم داشته است. این مصاحبه کوششی است برای رمزگشایی از منظومه فکری امام خمینی (ره) در سیاست خارجی؛ منظومه‌ای که در آن، مصلحت نه در برابر اصول، که در امتداد حکمت و عزت معنا می‌یابد. ولایتی با بهره از حافظه تاریخی دقیق و تحلیل‌های ناظر بر تجربه، نشان می‌دهد چگونه امام، با تفکیکی

در بطن پیچیده‌ترین تحولات دهه‌های اخیر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره میدانی برای سنجش عمق اصول‌گرایی دینی در کنار ضرورت‌های دیپلماسی واقع‌گرایانه بوده است. گفت‌وگو با دکتر علی اکبر ولایتی، مشاور امور بین‌الملل رهبر انقلاب، از محدود فرصت‌هایی است که می‌توان در آن، به جای